

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۹ اپریل ۲۰۱۶

موقعیت جنبش کارگری در اول ماه می

جهان غرق در بحران اقتصادی، جنگ و بی عدالتی، نابرابری و تعرض به پائین ترین معیشت زندگی میلیاردها کارگر و توده های محروم است. اقتصاد گنبدیده سرمایه داری، دمار از روزگار طبقه کارگر را در آورده و مجالی برای زندگی بخور و نمیرشان نگذاشته است. میدان دست درازی به جان و مال کارگران جوامع سرشار از ثروت و منابع طبیعی، پایانی ندارد و یکی پس از دیگری، در صف غارت بیش از این و نابودی ست. میلیون ها کارگر و توده دربند، با انبانی از درد و رنج، و با کوله باری از آینده نامعلوم، از موطن خود رانده می شوند تا جهان سرمایه، امن تر گردد!

نگاه و مطالعه به تصاویر و اخبار نیمه مخابره و سانسور شده از جانب بلندگوها و ارتباطات جمعی امپریالیستی، برای هر انسان آزادیخواه و کمونیستی، آزار دهنده و غم انگیز است. ساختمان نرمال و طبیعی جهان و همچنین زندگی انسان ها را زیر و رو نموده اند، تا مبدا ترم های انسانی و سالم، جایگزین روابط و مناسبات تخریبی و دغل بازی های حاکمان گردد. در حقیقت جهان کنونی، در قلمرو فکری - کرداری سرمایه داران است و طبعاً و از لحاظ تاریخی، تنها آرمان طبقه کارگر است که، پاسخگوی اوضاع در هم ریخته بشریت می باشد. به همین دلیل و همزمان، با فرا رسیدن اول ماه می - روز جهانی کارگر -، ضمن گرامیداشت این روز بزرگ تاریخی، و متعاقباً خارج از توضیح و علل چندین باره پیدایش تاریخی اول ماه می، لازم است تا مختصراً، نگاهی به موقعیت فعلی جامعه کارگری انداخته شود و عملاً به این سؤال در پس پرده، پاسخ داده شود، که طبقه کارگر، آنهم به عنوان، یگانه طبقه تا به آخر انقلابی، چگونه و در بستر کدامین شکل از مبارزه و سازمان، قادر خواهد گردید، از چنگال دم و دستگاه های سود ده سرمایه و همچنین از تحمیل سیاست های ضد کارگری حاکمان خلاصی یابد و پرچم دنیای سراسر آزادی و محترم شمردن به حقوق انسانی را برافرازد؟

مضافاً تکرار این موضوع بی مناسبت نیست، که اگر چه طبقه سرمایه داری، غرق در بحران است، اما، به موازات آن طبقه کارگر هم، در چنبره پراکندگی، ندانم کاری و در بحران معیشتی - سیاسی ست؛ بحرانی که علل اصلی آن به یورش بی وقفه و بی رحمانه طبقه سرمایه داری به دسترنج کارگران بر می گردد. در حقیقت سرمایه از آغاز و به ویژه در این چندین دهه، به منظور پاسخگویی به بحران ناعلاجش، حملات سازمان یافته و وسیعی را به طبقه کارگر سرتاسر دنیا سازمان داده است و دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر را یکی پس از دیگری، محدود و لگدمال می کند. متأسفانه جهان کارگری، در چنین موقعیت وخیم و آزار دهنده ای قرار گرفته است. همه جا طبقه کارگر در لبه تیز حمله و

استثمار بی رویه سرمایه است و همه جا طبقه کارگر، برای بازستانی مطالبات اولیه اش، علیه کارفرمایان و صاحبان تولیدی به پاخاسته است و خواهان بر چیدن مناسبات بناحق سرمایه داران می باشد. اعتراضات گسترده هزاران کارگر ارتباطات «ورایزن» امریکا علیه تبعیضات کاری و نابرابری ها و همچنین اعتراض هزاران کارگر در نیویورک، لس آنجلس، شیکاگو، میامی و دیگر شهرهای امریکا نسبت به پائین بودن دستمزدها؛ اعتراض کارگران "معدن شهر زونگول داک" ترکیه به همراه خانواده های شان به دلیل عدم پرداخت دستمزدهای شان توسط کارفرمایان؛ اعتراضات کارگران فرانسه پیرامون اصلاح قانون کار؛ اعتصاب کارگران حمل و نقل ایتالیا نسبت به تغییر قوانین کاری؛ اعتراضات متعدد معلمان، پرستاران، کارگران حمل و نقل و اعتصابات چندین باره سراسری پزشکان انگلستان نسبت به سیاست های ظالمانانه جدید کاری؛ اعلان اعتصاب بی پایان کارگران "صنعت نفت" کویت به طرح دولت در خصوص کاهش دستمزدهای شان و همچنین تجمعات، اعتراضات و اعتصابات کارگری در دیگر شهرها و کشورهای جهان، از زمره حقایق مبارزاتی - اعتراضی ست که دنیای انسانی با آنها رو در روست.

حقیقتاً که دنیای زیر سلطه سرمایه، در هم ریخته، و پُر آشوب است و پُر واضح است که نه تنها چنین وضعیتی، خواست میلیون ها کارگر جهان نیست، بلکه کاملاً در تخالف با منفعت میلیاردها توده دردمند می باشد. چندین دهه است که سرمایه داران، زندگی جامعه کارگری - توده ئی را در دایره و در باریکه نابودی قرار داده اند و مردم به ویژه طبقه کارگر را، از تهیه نان شب شان، باز داشته اند. در چنین مناسبات و سیستمی حقوق کارگر را نمی دهند؛ از کار بیکارش می سازند؛ قراردادهایش را یک طرفه فسخ می کنند؛ ابزارهای ایمنی کاری را از کارگران سلب می کنند، بر ضریب حوادث و صدمات شان می افزایند؛ فشار مضاف بر زنان کارگر وارد می کنند، کودکان را به کار اجباری و طاقت فرسا وادار می سازند تا ماشین های سود ده سرمایه، از حرکت و از سرعتش باز نماند. حاکمان کوچه پس کوچه های جهان را، مملو از بی خانمان ها نموده اند، میلیون ها انسان تحصیل کرده و فوق لیسانس و دکترا، در خیابان ها سرگردان و جویای کار اند. مضافاً این که ناامنی شغلی و یا بی رونقی کسب و کار، دامان تمامی صنوف را در بر گرفته است، به جرأت می توان گفت که به همان میزانی، فقر و نداری سازندگان اصلی جوامع بشری روبه بالاست، به میزانی وسیع تر از آن، سرمایه های استثمارگران و صاحبان تولیدی روبه افزایش است. تهاجم و اوضاعی که جهانی ست و بی گمان، هدف و مقصود حاکمان، چیزی جز پیگیری وضعیت اسفبار، یعنی در تنگنا قرار دادن هر چه بیشتر زندگی کارگران و زحمت کشان و همچنین سوداندوزی و انباشت هر چه بیشتر سرمایه به جیب خودی های شان نیست. سرمایه علاجی برای اوضاع وخیم زندگی کارگران ندارد، متأسفانه کارگر، علی رغم اعتراضات گسترده و مبارزه بی وقفه با کارفرمایان و صاحبان تولیدی، همچنان در موقعیت تدافعی و در موقعیت تحمل ضربات بیش از این، از جانب حاکمان و ارگان های وابسته به طبقه سرمایه داری ست؛ موقعیتی که کارگران ایران هم، به اشکال و در ابعادی وخیم تر، با آن ها رو در رو می باشند.

به طور نمونه یکی از مشکلات اساسی و روزمره طبقه کارگر ایران، مبارزه برای دستیابی به حقوق های معوقه شان می باشد، بنابه گزارشات ارائه شده از جانب ارگان های تبلیغی نظام جمهوری اسلامی، کارگران "کشت و صنعت مهاباد" برای چندمین بار در مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتراض زدند؛ کارخانه "لاستیک سازی خوزستان" در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و اخراج همکاران شان همچنان در اعتصاب به سر می برند؛ عدم دریافت حقوق یکساله کارگران "سدید ریخته گر" و اخراج ده ها تن و آنهم پس از ۱۸ سال سابقه کاری و به بهانه عدم نیاز کارفرمایان به کار آنان؛ متعاقباً بیکار شدن بیش از ۱۲۰۰ کارگر "نساجی مشهد"؛ و تجمع ۸۰۰ کارگر "معدن مس شهر بابک" نسبت به شرایط نابرابر و عدم پرداخت دستمزدهای شان از جانب کارفرمایان؛ دستگیری بیش از ۲۰

کارگر "مس خاتون آباد" به دلیل شرکت در تجمعات صنفی؛ مرگ نزدیک به ۳۰۰ کارگر در اثر حوادث کاری و آنهم طی ۸ ماه در تهران و غیره، را می باید از زمره مصائب و معضلاتی به حساب آورد که طبقه کارگر ایران و آنهم در زیر سلطه نظام خشن و وابسته جمهوری اسلامی با آنها دست به گریبان اند.

ناگفته نماند که موارد فوق، از جمله تک نمونه ها، از اعتراضات، اعتصابات و هزینه پردازی هائی ست که در مقابل جهان کارگری قرار گرفته است و در چنین چهارچوبه ای، کنش و واکنش های اعتراضی - مبارزاتی را می توان، در کنار دیگر مصائب و معضلات دست ساز سرمایه داران ردیف نمود و نشان داد، که دنیا در اثر زیاده خواهی های طبقات حاکمه، در حال ترکیدن است؛ دنیائی که در آن تفاوت و شکاف های طبقاتی، روز به روز پُر رنگ و پُر رنگ تر می شود.

کارگر در درون کارخانه ها تولید می کند و جان می دهد، در مقابل، طبقه سرمایه داری به همراه ارگان های ریز و درشتش، سود می برند و بر سرمایه های شان می افزایند. جانیان بشریت با دستگیری و با شکنجه فعالان کارگری مانع هرگونه تحرک اعتراضی در میادین تولیدی می گردند؛ اما علی رغم چنین وضعیت ناهنجار و خفناق آوری، طبقه کارگر سر زنده است و به منظور دستیابی به حقوق پایمال شده اش، کارفرمایان را در درون کارخانه ها به نبرد فرا می خوانند؛ نبردی که متأسفانه کمتر می توان، نماد پیروزی و کسب مطالبات اولیه شان را مشاهده نمود؛ کمتر می توان شاهد بازستانی حقوق های ناچیزشان از صاحبان تولیدی بود؛ کمتر می توان نشانه های چندی را، پیرامون بهتر شدن زندگی کارگران و به ویژه در این چندین دهه و آنهم در دنیای سرمایه داری ردیف نمود. کمترین شک و تردیدی در آن نیست که ذات سرمایه، در چپاول و در بالا کشیدن اموال ناچیز کارگران است و کمترین اعتقاد و باوری، به مزد مکفی در ازای کار، و یا منطبق با تورم جامعه ندارد؛ به این دلیل که فطرت سرمایه، در انباشت و سود هر چه بیشتر است و کاری به نداری و به چگونگی زندگی کارگران ندارد؛ به این دلیل که وظیفه اش، استثمار و نیروی کار ارزان کارگران است و پُر واضح است که، زمانی می توان، مسیر و گردونه فعلی را بر گرداند، و سُخن از چشم اندازهای زندگی بهتر کارگران را به میان آورد، که نیروها و سازمان های مدعی رهائی طبقه کارگر، در تقابل با طبقه حاکمه، به صف شوند و نظام را به مصاف عملی بطلبند؛ زمانی می توان سرمایه را از تعرض به پائین ترین حقوق کارگران بازداشت که نیروهای مدافع جنبش کارگری، در پیشاپیش مبارزات کارگران قرار گیرند و نظام های سرمایه داری را از تحقق سیاست های ضد کارگری شان باز دارند. تنها در بستر چنین فعالیت ها و دخالت گری های مبارزاتی - عملی ست که طبقه کارگر قادر خواهد گردید، از زندگی نکبت بار تحمیلی سرمایه داران خلاصی یابد. به بیانی روشن تر و خلاف بعضاً نظرات رایج و انحرافی و همچنین بنابه ادله های تاریخی، تغییر زندگی و خروج طبقه کارگر از وضعیت ناهنجار کنونی، بر گرده و در گرو، عروج سازمان عمل گرای کمونیستی ست؛ سازمان کمونیستی که آماده انقلاب است و همزمان با جنگ رو در رو با طبقه حاکمه، اعتراضات و مبارزات کارگری را حول سیاست ها و تاکتیک های صحیح، سمت و سو داده و گام به گام، زمینه های تشکلی یابی کارگری متناسب با قانونمندی های حاکم بر جامعه را، فراهم می کند.

خلاصه این که، بنابه شواهد ایستا و بی ثمر جنبش کارگری، و بنابه وجود شرایط عینی انقلاب و همچنین بنابه وجود هزاران اعتراض کارگری در سرتاسر جهان و به ویژه ایران، می توان و به جرأت بر این امر تأکید ورزید که، هم زمینه های مادی - عملی به منظور کسب حقوق پایمال شده کارگران و هم پیش شرط های اتحاد بخش های متفاوت تولیدی - مردمی در درون کارخانه ها و جامعه، آماده است؛ خلاء اصلی در میادین تولیدی و همچنین در درون جامعه، در فقدان حضور و در عدم آمادگی نیروها و سازمان های مدافع رهائی کارگران از زیر یوغ سردمداران رژیم

جمهوری اسلامی ست، بالطبع، تا زمانی که جامعه، شاهد بالا و بر آمدن نیرو و سازمان کمونیستی جدی نباشد، طبقه سرمایه داری، بر تعرض خود علیه کارگران و دیگر توده های ستم دیده افزوده و فضای جامعه را، تنگ تر و تنگ تر خواهد نمود. باشد تا اول ماه می، روز جهانی کارگر امسال را، به نگاهی دگرگونه، یعنی به نگاهی برای انجام تحرکی تازه تر و منطبق با نیازمندی های عملی طبقه کارگر ایران، مبدل ساخت؛ نگاه و تحرکی که بنابه تجارب تاریخی، چاره سازِ دردهای بی شمار کارگران، و همچنین کاشتن زخمی عمیق و ناعلاج، در دلِ سردمداران وابسته نظام جمهوری اسلامی ست.

۲۸ اپریل ۲۰۱۶

۹ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۵